

تطور فهم شیعیان از امامت در آثار ادبی عصر صفوی

رضا بیات^۱ - سید نورآغا موسوی^۲

چکیده

در این پژوهش تطور فهم شیعیان عصر صفوی از مفهوم امامت بررسی می‌شود. پیکره متنی پژوهش، اشعار چهار تن از شعرای نامدار و اهل علم عصر صفوی، یعنی رضی‌الدین آرتیمانی، صائب تبریزی، واعظ قزوینی و اشرف مازندرانی است. از این چهار تن، صائب بیشتر به شاعری شهرت دارد و سه نفر دیگر بیشتر به علم و عرفان شناخته می‌شوند. ویژگی‌هایی که اینان برای امام آورده‌اند، نشانگر فهم جامعه شیعیان فارسی‌زبان آن روزگار است. هیچ‌کدام از این شاعران، رأی یا بیعت مردم را دلیل امامت یا افضیلت امام ندانسته‌اند؛ در مقابل مواردی مثل عصمت و علم غیب و جانشینی پیامبر در سروده‌های مختلف تکرار شده است. از نکات جالب توجه، تأکید بر عدالت به عنوان ویژگی امام معصوم است. همچنین سخاوت مورد تأکید قرار گرفته است. از میان فضایی که در آخرت آشکار می‌شود نیز شفاعت برجسته و پرتکرار است. همچنین ثبات نسبی این مفاهیم در نسل‌های مختلف و جغرافیای سیاسی متفاوت صفوی و گورکانی از نکات قابل توجه است.

واژه‌های کلیدی: عصر صفوی، رضی‌الدین آرتیمانی، صائب تبریزی، واعظ قزوینی،

اشرف مازندرانی.

۱. استادیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). bayat.dr@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران. mossavisayednooragha@gmail.com

۱. مقدمه

این پژوهش کاری میان‌رشته‌ای است و تبیین جایگاه آن نیازمند چند مقدمه کوتاه است:

(۱) وضعیت پژوهش‌های پیشین درباره نمود امامت و تشیع در ادبیات: حضور اهل بیت^(ع) در شعر شاعران در مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های متعددی بررسی شده است. در مقدمه بسیاری از دیوان‌های شعر نیز سرفصلی به نگاه آن شاعر به اهل بیت^(ع) اختصاص داده شده است؛ اما در اغلب موارد، نگاه نگارندگان کلامی نبوده است. آنان اشعار یا ابیات اهل بیتی یا شیعی شاعر را احصا کرده‌اند و اغلب نتیجه گرفته‌اند که شاعر شیعه است یا گرایش شیعی دارد. در این نوشته سؤال دقیق‌تری مورد بررسی قرار می‌گیرد: شاعران شیعی چه تصویری از جایگاه امامت و اوصاف آن داشته‌اند و آیا این ذهنیت در طول تاریخ تغییر کرده است یا خیر؟

(۲) تحول مفهوم تشیع و امامت در طول تاریخ: مفاهیم اعتقادی در گذر زمان فراز و فرودها و تحولاتی داشته‌اند. گاهی در یک عصر، در چند منطقه جغرافیایی مختلف، چند ساختار اعتقادی مختلف حاکم بوده است و گاهی در یک زمان و مکان، چند جریان فکری و اعتقادی در درون یک مذهب، به موازات هم پیش رفته‌اند. کتاب نخستین مناسبات فکری تشیع نوشته سید محمدهادی گرامی (۱۳۹۱) به «بازخوانی مفهوم غلو در اندیشه جریان‌های متقدم امامی» پرداخته است. این کتاب نمونه‌ای از بررسی اندیشه‌های کلامی موازی در درون تشیع است. در طول تاریخ، گاهی چند عالم هم‌مذهب، در یک عصر، اختلافاتی با هم داشته‌اند که در حالت شدید آن، منجر به تکفیر و تفسیق شده و عالمانی در اعصار مختلف از دایره مذهب خود بیرون رانده شده‌اند و چه بسا مذهب جدیدی تأسیس کرده‌اند.

موضوع‌گیری فقها در برابر عرفان و فلسفه از نقاط حساس و اختلاف‌برانگیز بوده است. رفتار فقهای عصر صفوی با ملاصدرا نمونه‌ای از این اختلاف فهم است (رک: «تکفیر اهل قبله»: ۱۴۰۴). نمونه دیگر، فهم خاص از غیبت و شرایط آن است که شیخ احمد احسایی و شاگردانش را در مسیر تأسیس فرقه و دینی جدید قرار داد: فرقه شیخیه و دین بابیه. نمونه امروزی این رویکرد، مقاله «سطوح درک مفهوم امامت در شعر آیینی معاصر» (وفایی و بیات، ۱۳۹۴) است که نشان داده شاعران پس از انقلاب مفهوم امامت را در ده سطح مختلف فهمیده‌اند.

۳) تاریخ فکر و تاریخ فرهنگ: شاید با همین دغدغه بوده که علمای دینی در ادوار مختلف اعتقادنامه‌هایی نوشته‌اند و مرزهای اعتقادی هر مذهب را مشخص کرده‌اند؛ اما چنین کتاب‌هایی صرفاً کلامی‌اند و به طور تخصصی به مباحث حوزوی می‌پردازند؛ در حالی که آنچه بین مردم اتفاق می‌افتد، لزوماً همان چیزی نیست که در میان علمای حوزوی در جریان است. این تطورات به طور معمول در «تاریخ فکر» بررسی می‌شود. هرچند در تعریف «تاریخ فکر»، «تاریخ فرهنگ» و «تاریخ فرهنگی» هنوز قطعیتی در کار نیست؛ ولی دست کم با وضع همین اصطلاحات می‌توان دانست که «فکر» و «فرهنگ» را دو چیز مختلف در نظر گرفته‌اند. به بیان ساده و کاربردی فکر را می‌توان نزد صاحبان فکر، یعنی عالمان، یافت و فرهنگ نزد عموم مردم یافت می‌شود. «فرهنگ» تلقی عمومی مردم از «فکر» است. برای بررسی تاریخ فرهنگ، علاوه بر اندیشمندان، مردم عادی نیز قابل پژوهشند و برای این امر، متون ادبی اسناد قابل اعتنایی محسوب می‌شوند. ادیبان در زبان‌آوری و بلاغت استادند؛ ولی در علوم دینی در رده دیگر مردم قرار می‌گیرند.

۱-۱. روش پژوهش

در این مقاله، ابتدا ابیات اهل بیتی دیوان هر شاعر مشخص شده؛ آن‌گاه مفاهیم مطرح شده در ابیات استخراج و دسته‌بندی شده است. پس از آن، این مفاهیم با سرفصل‌های مباحث اعتقادی و کلامی تطبیق داده شده و با اصطلاحات کلامی تبیین شده است. هدف از این مرحله، استخراج و تبیین ساختار و شاخصه‌های اعتقادی شاعران بوده است. روشن است که در چنین پژوهشی قوت و ضعف ادبی اشعار موضوع بحث نیست.

در پژوهش حاضر، یک بازه تاریخی مشخص، عصر صفوی، مورد بررسی قرار گرفته است. بازه‌ای که دوره تثبیت تشیع و ساختار اعتقادی صفوی است؛ یعنی از انتهای عصر شاه تهماسب تا پایان عصر صفوی را در بر می‌گیرد. صفویان از دودمانی صوفی برآمده بودند. از عصر شاه تهماسب، فقه بر عرفان غلبه یافت و در عصر شاه عباس صوفی‌کشی اتفاق افتاد. شاه تهماسب تقید قابل توجهی به شریعت داشت و شاهان پایانی صفوی بسیاری از مظاهر شرع را زیر پا می‌گذاشتند و البته به آیین‌هایی هم التزام جدی داشتند. با علم به این که هر چهار شاعر با دربار ارتباط داشته‌اند و حتی رضی‌الدین آرتیمانی با خاندان صفوی وصلت کرده بود. محتمل است که این تغییرات در دربار صفوی به شاعران نیز سرایت کرده باشد.

علمای تراز اول صفوی نیز در این دوره فعالیت می‌کنند. یک نکته مهم درباره این عالمان این است که نسل اول (بهایی، میرداماد، صدرا) رویکرد فلسفی - عرفانی به دین دارند و نسل بعد (مجلسی اول و دوم، جزایری) نقل‌گرا و اخباری هستند. با توجه به این که شاعران مورد بحث در این پژوهش اهل علم هستند و حتی اشرف

مازندرانی، خواهرزاده‌ی علامه مجلسی است، احتمال می‌رود که تغییر رویکرد عالمان دینی در شعر شاعران تأثیر گذاشته باشد.

رده	شخص / دهه	1140	1130	1120	1110	1100	1090	1080	1070	1060	1050	1040	1030	1020	1010	1000	990	980	970	960	950	940	930	
عالمان	محقق کرکی																						940-970	
	شیخ بهایی																							953-1031
	میرداماد																							960-1041
	ملاصدرا																							979-1045
	محمدتقی مجلسی																							1003-1070
	محمدباقر مجلسی																							1037-1110
	سید نعمت الله جزایری																							1050-1112
شاهان (دوره حکومت)	شاه طهماسب اول																							930-984
	شاه اسماعیل دوم																							984-985
	شاه محمد خدابنده																							985-996
	شاه عباس اول																							996-1038
	شاه صفی																							1038-1052
	شاه عباس دوم																							1052-1077
	شاه سلیمان																							1077-1105
	شاه سلطان حسین																							1105-1135
شاعران	آرتیمانی																							978-1037
	صائب																							1000-1086
	واعظ																							1027-1090
	اشرف																							1030-1116

شاعران از سه نسل مختلف هستند که با فاصله تقریبی ۲۵-۳۰ سال پس از یکدیگر به دنیا آمده‌اند: رضی الدین آرتیمانی: ۹۷۸، صائب تبریزی: ۱۰۰۰، واعظ قزوینی: ۱۰۲۷ و اشرف مازندرانی: ۱۰۳۰ ق.

اینان از سه طیف مختلفند: وجه غالب رضی‌الدین آرتیمانی عرفان است؛ صائب بیشتر شاعر است و واعظ و اشرف بیشتر عالم دینی‌اند. واعظ و اشرف هم در وجه غالب و هم در زمان ولادت به هم شبیه‌اند و می‌شد یکی از این دورا حذف کنیم؛ اما محل زندگی اینان با هم کاملاً متفاوت است. واعظ در قزوین زندگی می‌کند؛ یعنی یکی از اصلی‌ترین شهرهای گفتمان صفوی و اشرف در هندوستان عصر گورکانی زندگی می‌کند؛ بنابراین دو فضای کاملاً متفاوت دارند و از این جهت بررسی هر دوی آنان ارزشمند است. به این ترتیب، اسناد مورد مطالعه این پژوهش چهار دیوان از سه نسل مختلف است که چهار فضای فکری و فرهنگی را گزارش می‌کند.

شبهات یا تفاوت فهم این چهار نفر در مفاهیم و ویژگی‌های امامت نشان می‌دهد که تفکر شیعی در روزگار صفویه چگونه و در چه جغرافیایی گسترش یافت؟ آیا از آغاز تا پایان یکسان بود یا تحول داشت؟ روند رو به رشد ثابت داشت یا بسته به زمان و مکان نوساناتی را تجربه کرد؟ بی‌تردید این پژوهش با مطالعه آثار چهار نفر، نمی‌تواند نتیجه قطعی و غیر قابل‌خنده‌ای را عرضه کند و ممکن است پژوهش‌های بعدی بخش‌هایی از این نوشته را تأیید یا رد کنند؛ اما آنچه مسلم است، ضرورت وجود چنین گام‌هایی برای شناخت بهتر و دقیق‌تر ساختار فکری و اعتقادی تشیع در ایران است. این نوشته، گام آغازین مسیری طولانی است.

۲. ادبیات پژوهش

۱-۲. تاریخ فکر^۱

این اصطلاح به مطالعه نقش ایده‌ها در طول تاریخ و بررسی زمینه تاریخی شکل‌گیری اندیشه‌ها می‌پردازد. استفاده از اصطلاح «تاریخ فکر» به اوایل قرن بیستم بازمی‌گردد. جیمز هاروی رابینسون^۲، مورخ آمریکایی، اغلب به عنوان کسی شناخته می‌شود که این اصطلاح را در حدود سال ۱۹۱۲ میلادی در کتاب تاریخ جدید^۳ رواج داد. البته ریشه‌های آن به سنت «تاریخ روح/ ذهن»^۴ در آلمان قرن نوزدهم برمی‌گردد. مهم‌ترین اثر مرجعی که این حوزه را به صورت مدون و دانشنامه‌ای تثبیت کرد، فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها^۵ است که نخستین بار در سال ۱۹۷۳ در انتشارات اسکریبنر^۶ و با ویراستاری فیلیپ پ. وینر^۷ منتشر شد. در سال ۲۰۰۵ نسخه به‌روز شده‌ای با عنوان دایرةالمعارف جدید تاریخ ایده‌ها^۸ در ۶ جلد منتشر شد که رویکردهای مدرن‌تر و جهانی‌تری (فراتر از غرب) را پوشش می‌دهد.

-
1. Intellectual History
 2. James Harvey Robinson
 3. The New History
 4. Geistesgeschichte
 5. Dictionary of the History of Ideas
 6. Scribner
 7. Philip P. Wiener
 8. New Dictionary of the History of Ideas

۲-۲. تاریخ فرهنگی^۱

تاریخ فرهنگی به مطالعه باورها، آیین‌ها و آثار فرهنگی مردم در گذشته می‌پردازد و مرزهای مشترکی با انسان‌شناسی دارد. این اصطلاح قدمت بیشتری نسبت به تاریخ فکر دارد. ریشه آن به واژه آلمانی Kulturgeschichte در اواخر قرن هجدهم (دهه ۱۷۸۰) بازمی‌گردد؛ اما به عنوان یک رویکرد مدرن دانشگاهی که به «تاریخ فرهنگی جدید» معروف است، از دهه ۱۹۷۰ میلادی با کارهای مورخانی چون پیتر برک^۲ و رابرت دارنتون^۳ اوج گرفت.

مدخل‌های تاریخ فرهنگی در دایرةالمعارف‌های عمومی (مثل بریتانیکا) معمولاً ذیل مقالات کلی «تاریخ» یا «تاریخ‌نگاری»^۴ می‌آمدند؛ اما در سال‌های اخیر دایرةالمعارف‌های تخصصی مهمی برای این موضوع تدوین شده است:

- ۱) دایرةالمعارف تاریخ فرهنگی و فکری آمریکا؛^۵ این اثر در سال ۲۰۰۱ منتشر شد و شاید جامع‌ترین دایرةالمعارف مشترک برای هر دو حوزه باشد که دقیقاً به همین نام چاپ شده است.
- ۲) دایرةالمعارف بین‌المللی علوم اجتماعی و رفتاری؛^۶ این دایرةالمعارف نیز مدخل‌های مفصلی درباره متدولوژی تاریخ فرهنگی دارد.

1. Cultural History
2. Peter Burke
3. Robert Darnton
4. Historiography
5. Encyclopedia of American Cultural and Intellectual History
6. International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences

۲-۳. تشیع

امت اسلام پس از پیامبر^(ص) به چندین فرقه تقسیم شد؛ چندان که فرقه‌شناسی و فرقه‌نگاری به عنوان یکی از علوم اسلامی و موضوعات اصلی پژوهش شناخته شد. اولین و اصلی‌ترین تقسیم امت، دو کلان‌فرقه اصلی «شیعه» و «سنی» است. بارزترین وجه تمایز تشیع و تسنن، تعیین جانشین پس از پیامبر^(ص) است. شیعه جانشین پیامبر^(ص) را «امام» می‌داند که منصوب از جانب خدا و رسول^(ص) است و سنی جانشین پیامبر^(ص) را «خلیفه» می‌داند که با بیعت همه یا گروهی از مسلمانان انتخاب می‌شود (جعفری، ۱۳۹۱: ۲۷۱/۴). فرقه‌های شیعی براساس فهم آنان از مفهوم امامت و تعیین شخص امام تعریف می‌شوند. پرجمعیت‌ترین فرقه شیعه، «امامیه» یا اثنی‌عشریه است که ۱۲ امام را پذیرفته است. همین فرقه نیز اختلاف فهم‌های درون‌مذهبی متعددی را تجربه کرده است (خمینی، ۱۳۹۱). در این پژوهش، برای شناخت بهتر این فرقه و گرایش‌های مختلفش، به اصلی‌ترین مفهوم یعنی امامت، پرداخته شده است.

۲-۴. امامت

امام در لغت به معنای پیشوا، پیشرو و راهنما آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۱). همچنین در معنی امام آورده‌اند: امام آن کسی است که گروهی به او اقتدا کرده باشند؛ مانند رئیس و غیره؛ چه اینکه آن قوم به راه راست و استوار باشند یا گمراه. جایگاهی که امام در آن قرار دارد، امامت است (زبیدی، ۱۳۴۴: ۱۴-۳۳). امام می‌تواند حق یا باطل باشد. می‌بینیم که قرآن این واژه را در تمام موارد فوق‌الذکر به کار برده و می‌فرماید: «وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَ رَحْمَةً» (هود: ۱۷) و در آیه دیگر این واژه را برای امامان باطل و امامان حق به کار برده است: «وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» (قصص: ۴۱).

در جای دیگر پیشوایان هدایت را امام خطاب نموده است: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (انبیاء: ۷۳). پس بدین اساس معلوم گردید که واژه امامت به هر آن چیزی که مورد تبعیت و اقتدا قرار می‌گیرد، گفته می‌شود؛ چه آن چیز انسان باشد یا غیر انسان، مانند کتاب‌ها و چه حق باشد یا باطل (مصباح یزدی، ۱۴۰۰: ۲۴۴). امامت به معنای پیشوایی و رهبری بوده و امام به معنای پیشوا و رهبر است. این پیشوا می‌تواند انسان یا غیر انسان مانند کتاب‌ها باشد که مورد پیروی قرار می‌گیرد، از نصوص دینی استفاده می‌شود که امامت از اصول بنیادین اسلام است (خسروپناه، ۱۳۸۹: ۷).

امامت در اصطلاح دینی دارای مراتب، معانی و شئون متفاوت است که تمام این موضوعات را در وجود نبی اکرم (ص) می‌توان دید. ایشان در دوران زندگی خود عهده‌دار مسئولیت‌ها و وظایف گوناگون بود. نبی اکرم (ص) دریافت‌کننده و ابلاغ‌کننده وحی بود که این امر بیانگر رهبری معنوی نبی اکرم (ص) است که قرآن کریم نیز به این مطلب اشاره نموده و می‌فرماید: «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ» (مائده: ۹۹). ایشان همچنین رهبر اخلاقی و رفتاری مسلمانان بود که قرآن کریم به این موضوع اشاره کرده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱) و رهبر علمی و معلم انسان‌ها: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل: ۴۴). می‌بینیم که در این آیه خداوند، پیامبر اکرم (ص) را معلم، مفسر و تبیین‌کننده واقعی قرآن دانسته است. نیز پیامبر اکرم (ص) رهبر و پیشوای سیاسی و اجتماعی انسان‌ها نیز به حساب می‌آید که قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ» (آل عمران: ۳۲)؛ (مصباح یزدی، ۱۴۰۰: ۲۴۵). در مذهب تشیع امامی، امامان به طور مشخص دوازده نفرند که از علی بن ابی‌طالب (ع) شروع و به امام غایب، حجت ابن الحسن المهدی (ع) ختم می‌شوند. این امامان ویژگی‌های عمومی و یکسانی دارند که قوام امامت به آن ویژگی‌هاست. در پژوهش حاضر، روی ویژگی‌های این دوازده امام تمرکز شده است.

۳. بررسی دیوان‌ها

در این نوشته، آثار چهار شاعر برجسته عصر صفوی، به ترتیب تاریخ ولادت بررسی شده است.

۳-۱. رضی الدین آرتیمانی

میر رضی الدین آرتیمانی (۹۷۸-۱۰۳۷) از شاعران عارف عصر صفوی است که مدتی در خدمت شاه عباس کبیر روزگار گذراند. او زاده آرتیمان، از توابع تویسرکان، اطراف همدان، است. مهم‌ترین و مشهورترین سروده او ساقی‌نامه است (کرمی، ۱۳۷۳).

۳-۱-۱. جانشینی پیامبر

رضی الدین آرتیمانی، امام را وصی و جانشین پیامبر^(ص) می‌داند، نه منتخب از جانب مردم. به شعر زیر توجه نمایید:

علی عالی اعلا امیر کل امیر

وصی احمد مرسل قسیم جنت و نار

(همان: ۴۴)

۳-۱-۲. علم غیب

شاعر برای اثبات امامت، علم پیامبر را ثابت می‌کند و مطابق حدیث مدینه‌العلم، معتقد بوده که دروازه علم نبی امام است. به اشعار زیر توجه کنید:

بر در شاه نجف شیر خدا

افتخار دودمان بوالبشر

یک نفس از شهر بینش سر بر آر

شهر دانش را ببین تا کیست در؟

(همان: ۵۰)

۳-۱-۳. شفاعت

رضی‌الدین آرتیمانی امام را شافع روز محشر می‌داند و این صفت را از صفات ضروری برای امامت به شمار می‌آورد و در این باره اشعار زیادی سروده است:

زبان به توبه نگردد چراکه بگذارد

شفاعت تو گنه زیر بار استغفار

امیدوار چنانم که وقت جان دادن

سپاری ام به یکی ز آستان هشت و چهار

(همان: ۴۴)

اوست بالله اوست مجرّی قضا

اوست بالله اوست منشی قدر

گر شفیق مانه‌ای، کیف‌المدار؟

ور شفیع مانه‌ای، أین‌المفر؟

(همان: ۵۰)

۳-۱-۴. عجز انسان از وصف امامت

آرتیمانی انسان را از توصیف امام عاجز و ناتوان می‌داند. او بیان می‌کند که «ای انسان، تو که توانایی این کار را نداری، بهتر است به این ناتوانی اقرار کنی و چنین

ادعای بزرگی را مطرح نمایی»:

تو همچو من به ثنای علی زبان بگشا

که مرحبا شنوی هر دم از در و دیوار

رضی ثنای چنین مظهري نیاری گفت

زبان دراز مکن، کن به عجز خود اقرار

(آرتیمانی، ۱۳۷۳: ۴۵)

او در اشعار دیگر دو دلیل آورده است برای این که انسان نمی تواند به خوبی مقام امامت را بشناسد و مدح و ثنای امام را گوید. دلیل اول را ضعف روحی و عدم تکامل نفسانی انسان می داند و دلیل دوم را فضایل بی شمار و بی انتهای امام.

روح قدسی کو و انفاس مسیح؟

تا ثنای او توانم کرد سر

ای خجل از مدح تو مدح و ثنا

عاجز اندر سرّ تو عقل بشر

من که و شعرم چه و مدحم کدام؟

ای خدا و مصطفایت مدح گر

کس نبودی مثل تو مانند او

مثل خود می داشتی ایزد اگر

ای کمالات برون از حد و حصر

وی کراماتت برون از حد و مر

نیست حرف او زبانی، واگذار!

نیست وصف او بیانی، در گذر!

در علو قدر و شأنش متفق
دوستان و دشمنان با یکدگر
گم شد اندر وادی مدحت رضی
نه خبر یابند از او نه اثر

(همان: ۵۱)

۳-۱-۵. وجوب مدح امام بر همه

رضی‌الدین آرتیمانی مدح و ثنا و ستایش امام را بر همگان واجب می‌داند. این مطلب را می‌توان به خاطر اهمیت و وجوب مسأله معرفت امام دانست؛ زیرا هیچ کس قبل از آن‌که امام را بشناسد، نمی‌تواند او را مدح نماید.

واجب ثنا و حمد تو بر کوچک و بزرگ

لازم ادای شکر تو بر پیر و بر جوان

(همان: ۶۵)

۳-۱-۶. عدالت

رضی‌الدین آرتیمانی عدالت را از ویژگی‌های ضروری برای امامت دانسته و معتقد است که در حکومت امامان عدالت به خوبی محقق می‌شود و هیچ کس مورد ظلم و ستم قرار نمی‌گیرد. او اشاره می‌کند که امام در جامعه عدالت را تا جایی اعمال می‌کند که ظالمان مشهور و بنام جامعه نیز عادلانه بر مردم حکومت می‌کنند و این مفهوم را در قالب مثال زیبایی بیان می‌دارد. او می‌گوید: در حکومت امام، مردم گریان را شبان گوسفندان خود قرار می‌دهند:

از دولت حمایت عدل تو بعد از این

بر گله غیر گرگ نگیرد کسی شبان

نگشوده در زمان تو کس لب به الحذر

نشینده در امان تو کس بانگ الامان (همان: ۵۲)

۳-۱-۷. سخاوت

رضی‌الدین آرتیمانی سخاوت و بخشندگی را نیز از جمله اوصاف ضروری برای امامت می‌داند و معتقد است که بخشندگی در امام بی حد و اندازه بوده و صفت بخل و خست در وجود امام دیده نمی‌شود و اصلاً وجود ندارد. او در اشعار خود بیان می‌کند که در خانه امامان به روی همه باز است و مردم هر چه از ایشان بخواهند، به آرزویشان می‌رسند و ناامید بر نمی‌گردند.

لله که هر که هر چه تمنا کند دهی

داد تو را چه حاجت امداد این و آن

بخشیده هر چه باید و شاید تو را خدا

تو نیز بخش هر چه به هر کس که می‌توان

شاه و گدا دعای تو گویند دم به دم

ملک و ملک ثنای تو خوانند هر زمان

ای عهد پادشاهی تو عهد هر فقیر

دوران کامرانی تو کام ناتوان

گاه سؤال عاجز مسکین بی نوا

حرف «نه» هرگز نگذشته است بر زبان

(همان: ۶۵)

۲-۳. صائب تبریزی

محمدعلی صائب تبریزی (۱۰۸۶-۱۰۰۰) برترین شاعر سبک اصفهانی/ هندی و ملک الشعراء دربار شاه عباس دوم بود. در جوانی حج گذارد و سفرهایی به هرات و کابل داشت و ۷ سال در هند زندگی کرد. او خطاط نیز بود (صفا، ۱۳۷۸: ۱۲۷۲/۵).

۱-۲-۳. امامت مقام برتر از نبوت

صائب تبریزی جایگاه و مقام امامت را برتر و بالاتر از جایگاه نبوت دانسته و در شعری که در وصف امام علی^(ع) سروده است، بیان می‌دارد که مقام انبیا از فیض وجود امام است.

شهر رحمت بود هر حرفی از نام علی

این دو شهر پیرد عیسی را به چرخ چارمین

(صائب، ۱۳۷۴: ۱۳۶۶/۲)

۲-۲-۳. عصمت

ویژگی دیگری که صائب تبریزی برای امامت برشمرده، عصمت است:

نیست اهل بیت را رنگین تر از وی مصرعی

گر بود بر صدر نه معصوم جای او به جاست

(همان: ۱۳۷۴)

۳-۲-۳. علم غیب

صائب یکی دیگر از ویژگی‌های ضروری برای امامت را علم غیب می‌داند و در اشعاری که در وصف امام علی (ع) سروده، بیان می‌کند که امام به تمام عالم، از آغاز خلقت تا پایان جهان آفرینش، عالم است.

نقطه بسم‌اللّٰهی فرقان موجودات را

در سواد توست علم اولین و آخرین

(همان: ۱۳۶۶)

او همچنین در این قصیده درباره علم امام می‌فرماید که امام بر غیب و امورات نامکشوف آگاهی دارد و هیچ چیز از حوزه علم امام خارج نیست.

راز سرپوشیدگان غیب بر صحرا فتد

پرده بردارد اگر از روی خورشید اشتهار

آنچه تاروز جزادر پرده شب مختفی است

پیش علم او بود چون روز روشن آشکار

(همان: ۱۳۶۷)

۳-۲-۴. شفاعت

از ویژگی‌های دیگر که صائب تبریزی برای امامت برمی‌شمارد، شفاعت است.

در سایه همای شفاعت مرا بگیر

تا سر برآورم ز گریبان در آفتاب

(همان: ۱۳۷۳)

او همچنین در اشعار دیگری در این باره می‌فرماید:

تا ز دامن‌گیری‌ات کوتاه نماند هیچ کس
می‌کشی چون پرتو خورشید دامن بر زمین
هر گنه‌کاری که زد بر دامن پاک تو دست
گرد عصیان پاک کردی از رخس با آستین

(همان: ۱۳۶۳)

۳-۲-۴. سخاوت

صائب تبریزی یکی دیگر از ویژگی‌های امامت را سخاوت می‌داند. این موضوع را می‌توان در شعر ذیل دید:

بر هیچ کس درش چو در فیض بسته نیست
از شرم خویش در پس در مانده آفتاب

(همان: ۱۳۷۲)

۳-۳. واعظ قزوینی

ملا محمد رفیع واعظ قزوینی (۱۰۲۷-۱۰۹۰) فقیه، مفسر، خطیب و ادیب برجسته عصر صفوی است که در زادگاه خود، قزوین، روزگار گذارند. به فارسی، عربی و ترکی مسلط بود. (سادات ناصری، مقدمه دیوان: ۵۲-۶۴). از او هفت عنوان کتاب باقی مانده است: ابواب الجنان (کتاب درسی مکتب‌خانه‌ها)، بیاض، جنگ شاه اسماعیل و شیبک ازبک، دیوان، مکتوب، منشآت، نامه‌ها (درایتی، ۱۳۹۴: ۹۵۷/۳۶).

۳-۳-۱. جانشینی پیامبر

واعظ قزوینی یکی از ویژگی‌های امامت را جانشینی پیامبر می‌داند. او در شعر زیر به این موضوع توجه نموده و بیان می‌دارد که ستایش از امامت، مانند ستایش از نبوت است:

حیدر صفدر که او خود جانشین مصطفی است

مدحت او جانشین مدحت پیغمبر است

(واعظ قزوینی، ۱۳۵۹: ۴۷۶)

۳-۳-۲. امامت امتداد نبوت

واعظ قزوینی امامت را امتداد، ادامه و تکمیل‌کننده نبوت می‌داند و در اشعار خود درباره پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) می‌گوید که آن دو بزرگوار روحشان یکی بوده و تنها جسمشان دوتاست. این محتوا در آیه مباهله (آل عمران: ۶۱) و نیز احادیثی از این دست یافت می‌شود: «یا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ رُوحُكَ مِنْ رُوحِي وَ طِينَتُكَ مِنْ طِينَتِي...» «ای علی، تو از منی و من از توام. روح تو از روح من و سرشت تو از سرشت من است...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷/۶۵؛ به نقل از صدوق، ۱۳۷۶). همچنین در این اشعار بیان شده است که هدف از امامت و نبوت نیز یکی هستند و هیچ دلیلی وجود ندارد که نبوت و امامت را از همدیگر تفکیک کنیم. ابیاتی که در این باره سخن می‌گویند، عبارتند از:

نبی و ولی هر دو نسبت به هم

دو تا و یکی چون زبانِ قلم

دو سر چون قلم لیک از جان یکی

زبان‌شان دوتا و سخن‌شان یکی

از آن برده همچون قلم سربه‌سر

که مو در میان‌شان نگنجد مگر

خط شعر گردیده ناخوان از آن

که گنجیده گیری چو مو در میان

(نصرآبادی، ۱۳۱۷: ۱۷۲)

۳-۳-۳. افضلیت امام نسبت به دیگران

واعظ قزوینی یکی دیگر از ویژگی‌های ضروری برای امامت را افضلیت امام نسبت به دیگران می‌داند. او برای امام فضایل بی‌شمار قائل است و در اشعار خود بیان می‌کند که فضیلت امام را نمی‌توان برشمرد. اشعار زیر که در وصف امام صادق (ع) سروده شده، حاکی از این موضوع است:

نشود گفت از هزار یکی

گویم ار فضل او یکی ز هزار

عدد از مهرهی فروماند

راه مدحش چو سر کند گفتار

(واعظ قزوینی، ۱۳۵۹: ۴۹۴)

او در اشعار دیگر به چند مورد از فضایل امام علی (ع) اشاره کرده و این فضایل را از دلایل امامت امام علی (ع) برشمرده است: (۱) دامادی پیامبر: او در این شعر بیان می‌دارد که خلافت و امامت سزاوار کسی است که لیاقت همسری حضرت زهرا (س) را پیدا نموده است. (۲) خوابیدن آن حضرت در بستر پیامبر در شبی که پیامبر اکرم (ص) می‌خواست از مکه خارج شود.

از بهر خلافت پیامبر بی‌گفت

طاق است آن کس که بود زهرا را جفت

کس راندهد خدای این دولت مفت

بر جای نبی کسی نشیند کاو خفت

(همان: ۵۶۲)

۳-۳-۴. علم غیب

واعظ قزوینی در اشعاری که در مدح امام حسن^(ع) سروده، علم پیامبر^(ص) را برای امام و مقام امامت ثابت کرده است:

شه است او، سروری و برتری و دین و علم او را

یکی تاج و یکی تخت و یکی ملک و یکی لشکر

ز شاگردیش، ذکر و فکر و علم و عقل می‌گردد

سخن در لب، نفس در تن، هوس در دل، هوی در سر

(همان: ۵۰۵)

او درباره علم امام به حدیث معروف پیامبر اکرم^(ص) که می‌فرماید: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا» (صدوق، ۱۳۷۶: ۳۴۵) اشاره کرده و می‌فرماید:

هست ختم انبیا یعنی محمد شهر علم

او در آن شهر و واعظ از سگان آن در است

(همان: ۴۵۵)

او در اشعار دیگر که در مدح امام صادق^(ع) سروده، می‌گوید علم امام است که دین را به صورت حقیقی تبیین نموده و مردم را به فراگیری بهتر آن راهنمایی می‌کند. او همچنین می‌گوید که علم امام باعث آبادانی و تعمیر و پیشرفت دین اسلام گردیده است:

راه حق راست دانشش رهبر

روی دین راست رایش آینه‌وار

نطق او آب علم را میرآب

علم او کاخ شرع را معمار

حرف علمش چو در میان آید

می‌کشد بحر خویش را به کنار

(همان: ۴۹۲)

۳-۳-۵. شفاعت

واعظ قزوینی شفاعت را از ویژگی‌های ضروری برای امامت دانسته و در اشعاری که در وصف امام جعفر صادق^(ع) سروده، به بیان این مطلب پرداخته است:

بار الها به آبروی شهی

کاوست آب رخ صغار و کبار

که به خواب اجل نرفته ز لطف

بکن از خواب جمله را بیدار

از دو عالم معاصی‌ام بگذر

در دو عالم حوائج‌م بگذار

(همان: ۴۹۴)

او در وصف امام رضا^(ع) نیز می‌فرماید: مهر و محبت و دوستی امام رضا^(ع) باعث می‌شود که در روز محشر انسان اصلاً مورد پرسش حق و فرشته‌ها واقع نشود:

شه سریر امامت، رضا که با مهرش

کسی به حشر نخواهد ز کس حساب گرفت

(همان: ۴۷۶).

۳-۳-۶. عجز انسان از وصف امام

واعظ قزوینی یکی دیگر از ویژگی‌های امامت را توصیف‌ناپذیری آن از سوی انسان می‌داند. او در اشعار خود بیان می‌کند که زبان، قلم و جایگاه انسان در حدی نیست که بتواند به مدح و ثنای مقام امامت پرداخته و حق امام را ادا نماید. از سوی دیگر او بیان می‌کند که اگر شعرا بخواهند به عمق اوصاف امامت آشنا گردیده و مدح و ثنای امام را به صورت حقیقی به جا آورند، افکارشان آسیب می‌بیند؛ زیرا حقیقت وصف امام برتر از آن است که به واسطهٔ آدمیان آشکار شود. او در اشعار زیر که در وصف امام صادق^(ع) سروده است، به این مطالب اشاره دارد:

دین، ولی دین جعفرالصادق

قره‌العین سیدالاخیار

نیست حد تو ای زبان این حرف

نیست کار تو ای قلم این کار

تو، چه با این شکستگی واعظ

کرده‌ای عزم این ره دشوار؟

در طریق عمیق مدحت اوست

پای فکر سخنوران افگار

سرو را قدر توست از آن برتر

که بود چون منش مدیح‌نگار

از مدیحت چه آورم به زبان

به جز این کآورم به عجز اقرار؟

مقصد من تلاش مدحت توست

ورنه مدحت نیاید از من زار

(همان: ۴۹۴)

شاعر در اشعار دیگر نیز بیان می‌کند که اگر همه انسان‌ها هم‌زبان شوند و فقط به مدیحه‌سرایی بپردازند، نمی‌توانند حق مدح امام را ادا نمایند. او معتقد است که امامت مطلبی نیست که انسان بتواند به طور حقیقی توصیف نماید. این حرف شاعر، در حقیقت مضمون این حدیث نبوی است: «لَوْ أَنَّ الرِّیَاضَ أَقْلَامٌ وَ الْبَحْرَ مِدَادٌ وَ الْجَنِّ حُسَابٌ وَ الْإِنْسَ كُتَّابٌ مَا أُخْصُوا فَضَائِلَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ»: اگر باغ‌ها قلم شوند و دریا مرکب شود و جئیان حسابگری کنند و آدمیان بنویسند، نمی‌توانند فضایل علی بن ابی‌طالب^(ع) را جمع آورند و برشمرند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۹/۴۰؛ به نقل از خوارزمی، ۱۴۱۱). او چنین بیان می‌کند که اگر ما به مدیحه‌سرایی مشغول هستیم، به خاطر خود ماست تا از فیوضات و آثار آن بهره‌مند گردیم، وگرنه اگر به اوج اقتدار و توانایی علمی و ادبی هم برسیم، باز به عجز خود اقرار می‌کنیم. این مطالب در اشعار زیر بیان گردیده است:

نتوانند حق مدحت او کرد ادا

گر کنند اهل جهان جمله زبان از هم وام

کوشش واعظ دل خسته به جایی نرسد

مطلبی نیست مدیحش که پذیرد انجام

سرورا نیست مرا قدر ثناگویی تو
 این قدر بس که از این شهد کنم شیرین کام
 شرف هر دو جهان گر همه قسمت گردد
 نرسد بیش از اینم که تو را بر دم نام
 دیگر شکوه ز ناکامی دنیا غلط است
 کز ثنای تو مرا هر دو جهان است به کام
 (واعظ قزوینی، ۱۳۵۹: ۵۰۵)

۳-۳-۷. عدالت

واعظ قزوینی عدالت را هم از ویژگی‌های امامت دانسته و معتقد است که عدالت تنها در حکومت امام قابل تحقق است؛ مانند اشعار زیر در وصف امام علی^(ع):
 گر برد برگی ز دهقان شکوه پیش عدل او
 می خورد از زهره شیر آب دیگر نیستان
 ور کند تحریر حرفی از حمایت‌های او
 بر قلم هرگز نیفتد زور دیگر از بنان
 بحر عدلش تند اگر بیند به سوی اهل جور
 دیگر آتش زور نتواند گرفتن از کمان
 (همان: ۵۱۰)

۳-۳-۸. شجاعت

واعظ قزوینی یکی دیگر از ویژگی‌های امامت را شجاعت دانسته است و این مطلب را در اشعار زیادی بیان نموده که شجاعت برای امام، همانند معجزات برای انبیاست؛

از قبیل اشعار زیر در وصف امام علی^(ع):

در صف هیجا، دم تیغ، دم نزع عدو
 کنندن شمشیر او جان کنندن خصم دغا
 حمله جرات‌گدازش، گشت هستی را سموم
 برق شمشیر اجل خویش سحرگاه جزا
 چون طناب سحر، در سیماب لرزش، عمر خصم
 ذوالفقار او به کف چون در کف موسی عصا

(همان: ۴۵۴)

واعظ قزوینی در شعری که در مدح امام علی^(ع) سروده است، شجاعت را از ویژگی‌های ضروری برای امامت دانسته و امام علی^(ع) را با لقب «شیر حق» یاد کرده و درباره شجاعت آن حضرت^(ع) می‌فرماید که شجاعت امام، ستون، پایه و اساس دین بوده است:

داری از درگاه شیر حق چو روی تازه‌ای
 رو به سوی قبله حاجات کن روی دعا
 تا بود بازوی حیدر خانه دین را ستون
 تا بود در دست او سررشته راه خدا

(همان: ۴۵۶)

۳-۳-۹. سخاوت

واعظ در اشعار خود سخاوت را یکی از ویژگی‌های مهم امامت دانسته و معتقد است که سخاوت امام محدود نبوده، بلکه بی‌پایان و همیشگی و برای همگان است؛ مانند

اشعار زیر در مدح امام علی(ع):

آن که باشد دامن جودش به دست اهل فقر
 دستگیرش دامن حیدر شود روز جزا
 آن جهان بخشی که هرگز چون نفس گاه سخا
 در کفش پیوند دادن ها نشد از هم جدا
 همتش دریای بی پایان و دستش ابر جود
 هر سه انگشتش رگ ابری ز باران عطا

(همان: ۴۵۳)

شاعر در شعر دیگری نیز به این موضوع اشاره نموده و می فرماید:

بس کن ای واعظ که گفتن پا ز حد بیرون نهاد
 پیش اهل جود خاموش است عرض مدعا

(همان: ۴۵۴)

او در باب جود امام، به بخشیدن پیش از عرض نیاز و حفظ آبروی سائل این چنین اشاره می کند:

جواب مسأله اش از سؤال ز آن پیش است
 که سائلش نکشد منتی ز پرسیدن

(همان: ۴۱۹)

۳-۴. اشرف مازندرانی

محمدسعید بن محمد صالح اشرف مازندرانی (۱۰۳۰-۱۱۱۶) خواهرزاده علامه مجلسی، محدث بزرگ عصر صفوی است. مادرش، آمنه بیگم، دختر محمدتقی مجلسی و خواهر علامه محمدباقر مجلسی، خود مجتهد بود و این که زنی به مقام اجتهاد برسد، از نوادر تاریخ اسلام است. خود اشرف مازندرانی، در شاعری شاگرد صائب بود و علاوه بر آن در خطاطی و نقاشی نیز استاد بود. او اواخر عمر را در دربار گورکانیان، در خدمت اورنگ زیب بود و در راه سفر حج جان به جان آفرین تسلیم کرد (حفیظی، ۱۳۷۹: ۹/ مدخل «اشرف مازندرانی»).

۳-۴-۱. جانشینی پیامبر

اشرف مازندرانی هم مانند دیگر شعرای این عصر امام را منصوب از جانب خداوند دانسته و مسأله نصب را از ویژگی های اساسی برای امامت می داند. او معتقد است که امامان دوازده گانه شیعه، وصی پیامبر^(ص) بوده و پیامبر آنان را به امر خداوند برگزیده است. او در مدح امام علی بن موسی الرضا^(ع) می فرماید:

آن پس از موسی جعفر مصطفی را جانشین

رکن پنجم، قبله هفتم، امام هشتمین

(اشرف، ۱۳۷۳: ۱۲۶)

در شعر دیگر اشاره می کند که تنها راه رسیدن به خدا، راه نبی و ولی است:

جز نبی و ولی به حق راه مدان خدای را

از در معرفت در آ عالم کبریای را

(همان: ۱۹۰)

۳-۴-۲. علم غیب

از ویژگی‌های د دیگری که این شاعر برای امامت بیان می‌کند، علم غیب است که این موضوع را می‌توان در اشعار ذیل دید:

در دبستان علومت ز بدیهیات است
هر چه را درک نکرده است عقول اولی
جمله اسرار خدا دیده‌ای از عین یقین
کاشف آید به جهان این چو شود کشف غطا

(همان: ۴۷)

۳-۴-۳. شفاعت

اشرف مازندرانی نیز مانند دیگر شعرا شفاعت را یکی از اوصاف و ویژگی‌های امامت می‌داند که این موضوع را می‌توان در اشعار ذیل دید که در وصف امام علی (ع) سروده است:

شافع عرصه محشر که بگیرد سالم
مرغ صاحب‌گنه از چنگ عقاب عقبی
روز محشر که شود نامه عصیان پزان
آن چنان کن که ز هیبت نپرد رنگ مرا

(همان: ۴۴)

آتشین گل‌هاست در گلشن معطر یا بود
عودسوز بزم‌گاه حیدر کرار، گل؟

(همان: ۷۹)

شعاع قهر تو را رکن چارم آتشدان

عروس جاه تو را چرخ هشتم آینه دار

شفاعتی ز تو و روزگار طاعت شب

عنایتی ز تو و صد هزار استغفار

بهشت را ز جمال تو زینت دکان

جحیم را ز نهیب تو گرمی بازار

تویی به میکده خلد ساقی کوثر

تویی به عرصه محشر قسیم جنت و نار

ز خلق توست معطر بهار خرد و بزرگ

به مهر توست منور دل صغار و کبار

شفاعت تو کند خلق حشر را یاری

حمایت تو بود حصن شرع را معمار

(همان: ۵۰)

وی در مورد شفاعت در قصیده‌ای که در وصف امام علی^(ع) سروده، می‌فرماید:

شافع یوم الحسابا! فیض بخش ام‌تا!

ای به پیش خلق نیکوی تویی مقدار گل

آن زمان کارند اهل حشر سربرون ز خاک

چون به هنگام بهاران از در و دیوار گل

محشر از شور نشور آید گلستان در نظر

دل سیاهان لاله آن گلشن و احرار گل

سرخ‌رو با آل خود زیر لوای مصطفی

کرده باشی جا چو زیر سایه اشجار گل

(همان: ۸۱)

۳-۴-۴. عجز انسان از وصف امام

اشرف مازندرانی همانند بسیاری از متکلمان و شعرا امامت را دارای اوصاف نبوت می‌داند؛ چون امام رسالت انبیا را ادامه داده و به تکمیل آن مأموریت می‌پردازد. مأموریت و رسالت نبی و ولی یکی است و هر دو هدایت و ارشاد بشر به سوی صراط مستقیم و راه کمال و هدایت حقیقی را عهده‌دارند. این امر به واسطه افرادی محقق می‌گردد که دارای ویژگی‌های پیامبران باشند؛ ویژگی‌هایی که پیامبران الهی به واسطه آن‌ها از سایر انسان‌ها متمایز می‌شوند و پیامبری‌شان به واسطه این صفات و ویژگی‌ها محرز می‌گردد. پس از ختم نبوت که وحی الهی پایان یافته است، اولیای الهی یا امامان، به جز ارسال وحی، تمام اوصاف پیامبران را دارا بوده‌اند.

اشرف مازندرانی مطالعه و بررسی و توصیف انبیا و اولیای الهی را وظیفه خود دانسته و آن را شکر و سپاس‌گزاری از خداوند می‌داند. او در اشعار خود توصیف امامان را همانند شکرگزاری خداوند غیر ممکن دانسته، مخصوصاً درباره بیان اوصاف امامان می‌گوید که ما نمی‌توانیم اوصافشان را آن‌گونه که شاید، بیان نماییم؛ زیرا خداوند متعال خود مداح آنان است. مطالب فوق را در اشعار ذیل می‌بینیم:

سرور مردان علیّ عالی اعلا که هست

در بهارستان فیض ایزد جبار گل

مظهر اوصاف پیغمبر که در باغ وجود
ذات او بوی گل است و احمد مختار گل

(همان: ۷۹)

بهترین شکر خدا مدح نبی و ولی است
مدحت آرای نبی و ولی ام شکر خدا
به سراپرده مدح تو مرا راهی نیست
ای که گردیده خدا و نبی ات مدح سرا
نظر مور به اقبال سلیمان نرسد
رتبه مدح جناب تو کجا؟ من ز کجا؟
ای بزرگی که ز بس جاه و جلال تو فلک
گوید و باک ندارد که نداری همتا

(همان: ۷۹)

وی همچنین در این باره می فرماید:
از عهده ثنای تو بیرون نیامده
مدحتگر سحاب به چندین زبان برف

(همان: ۸۷)

۳-۴-۵. سخاوت

اشرف مازندرانی نیز سخاوت را از ویژگی های امامت دانسته و اشعار زیادی در این مورد می سراید که به برخی از ابیات اشاره می شود:

سایه دست عطایت بر سر سائل که هست

بهر اقبال به از سایه صد بال هما

آب در دیده ز رشک کرمت گرداند

آن نه گرداب بود در دل عمان پیدا

بس که از شرم محیط کرمت کرده عرق

موج بحر است نهان چون زره زیر قبا

بر لب بحر زده مهر خموشی ز حباب

دست دُربار تو چون خاتم خود کرده عطا

(همان: ۴۷)

او در اشعار دیگری نیز درباره سخاوت امام می‌گوید: نمی‌توانیم سخاوتتان را به دریا تشبیه نماییم؛ چون سخاوتتان وسعتی بیش از دریا دارد و این مقایسه را عقل به سخره می‌گیرد:

نسیم لطف عمیم و گل سخای تو را

گشاد جبهه جود است ساحت گلزار

بود در ابروی موجش گره ز شکل حباب

چه نسبت است سخای تو را به دریا بار؟

چون نام جود تو با بحر بر زبان راندم

خرد به جوش در آمد که چیست این گفتار؟

(همان: ۵)

۴. نتیجه‌گیری

مقاله حاضر در تبیین اوصاف امامت در اشعار چهار تن از شاعران عصر صفوی نتایج زیر را به دست داده است. هر کدام از این شعرا امامت را امر الهی دانسته و توصیف آن را از توان انسان عادی خارج می‌دانند. آنان اوصاف جانشین پیامبر، علم غیب، شجاعت، سخاوت، شفاعت، عدالت و... را برای امامت بیان نموده‌اند و هیچ یک امامت را انتخابی از سوی مردم ندانسته‌اند. در اشعار آرتیمانی اوصافی مانند: جانشین پیامبر، وجوب مدح امام بر مردم، عدالت، شجاعت، سخاوت، علم غیب و شفاعت برای امامت دیده می‌شود. صائب تبریزی نیز امامت را دارای اوصاف زیر دانسته است: علم غیب، شفاعت، عصمت، سخاوت. واعظ قزوینی در اشعار خود اوصاف زیر را برای امامت آورده است: جانشین پیامبر، توصیف ناپذیری امامت برای انسان‌های عادی، شجاعت، سخاوت، امامت امتداد نبوت، علم غیب، شفاعت، عدالت، افضلیت امام از دیگران. اشرف مازندرانی اوصاف زیر را برای امامت آورده است: جانشین پیامبر، وصف ناپذیری برای مردم عادی، علم غیب، شفاعت، سخاوت.

آرتیمانی	علم غیب	شفاعت	سخاوت	عدالت	جانشین پیامبر	وجوب مدح امام	شجاعت
صائب	علم غیب	شفاعت	سخاوت	عصمت			

واضحا	علم غیب	شفاعت	سخاوت	عدالت	جانشین پیامبر / امامت امتداد نبوت	زز	شجاعت	افضلیت امام
اشرف	علم غیب	شفاعت	سخاوت		جانشین پیامبر	توصیف ناپذیری امامت		

چنان‌که مشهود است، سه ویژگی علم غیب، شفاعت و سخاوت در اشعار هر چهار شاعر مشترک است. همچنین عدالت یا عصمت در هر سه شاعر ساکن ایران صفوی مشترک است. شاید بتوان گفت که گفتمان سنی که برای حاکم جامعه اسلامی شرط عدالت را ضروری نمی‌داند، بر شعر اشرف که ساکن هند گورکانی بوده، تأثیر گذاشته است. مورد عجیب، ویژگی سخاوت است که در هر چهار شاعر مشترک بوده و به نوعی مقوم امامت دانسته شده است. باید پرسید که این ویژگی در شعر شاعران غیر درباری هم دیده می‌شود یا خیر؟ به بیان دیگر، این چهار نفر، بنا به ذائقه درباری، سخاوت ممدوح را برجسته کرده‌اند یا به راستی، در آن روزگار سخاوت را مقوم امامت می‌دانسته‌اند؟ هیچ کدام از شاعران، امامت را به امور زمینی مثل رأی یا بیعت مردم مرتبط ندانسته است. تنها یکی از آنان امام را با دیگر مردم قیاس کرده که آن هم برای اثبات افضلیت امام بر دیگر صحابه بوده است. این نتایج نشان می‌دهد که فهم شاعران عصر صفوی از امام، در سه نسل مختلف، تغییر خاصی نداشته است. آنچه درباره تحولات فکری در دربار صفوی گزارش می‌شود، مثل گرایش به تصوف در آغاز و برائت از آن در ادامه، یا

گرایش شاه اسماعیل دوم (سلطنت از ۹۸۴ تا ۹۸۵) به تسنن، تأثیری در فهم عموم مردم از تشیع نداشته است و آنان امام را فارغ از تحولات فکری و سیاسی دولت مردان می فهمیده‌اند. همچنین تغییر رویکرد عالمان دینی از فلسفه و عرفان (شیخ بهایی، میرداماد، ملاصدرا) به اخباری‌گری (مجلسی‌ها و جزایری) تغییر معناداری در فهم شاعران پدید نیاورده است؛ یعنی این رویکردها به هسته مرکزی اعتقادات شیعی چیزی نیفزوده و نکاسته است. از زاویه‌ای دیگر می‌توان گفت که این تغییر رویکردها دست‌کم در کوتاه‌مدت بر عموم جامعه اثر مشهودی نمی‌گذاشته است.

فهرست منابع

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). معجم المقایس اللغة (ج ۱). تحقیق: هارون عبدالسلام و محمد محقق. قم: مکتب الاعلام الاسلامی. قم.
- ۳) اشرف مازندرانی، محمد سعید (۱۳۷۳). دیوان اشعار اشرف مازندرانی. به کوشش: محمد حسن سیدان، تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- ۴) «تکفیر اهل قبله» (۱۴۰۴). ویکی شیعه. <https://fa.wikishia.net>. تاریخ دسترسی: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰.
- ۵) جعفری، محمد مهدی (۱۳۹۱). «تشیع». دایرة المعارف تشیع. (ج ۴). زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی، بهاء الدین خرمشاهی. تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
- ۶) حفیظی، مینا (۱۳۷۹). «اشرف مازندرانی». دایرة المعارف بزرگ اسلامی (ج ۹). به سرپرستی سید کاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ۷) خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۶۹). «پیشینه، جایگاه و گستره امامت در علم کلام». فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود. س ۴. ش ۱۴.
- ۸) خمینی، سید حسن (۱۳۹۱). فرهنگ جامع فرق اسلامی (ج ۳). تهران: اطلاعات.
- ۹) خوارزمی (اخطب خوارزم)، موفق بن احمد (۱۴۱۱). المناقب. قم: اسلامی.
- ۱۰) درایتی، مصطفی (۱۳۹۴). فهرستگان نسخ خطی ایران (فنخا-۴۵ ج). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۱) رضی الدین آرتیمانی، سید محمد (۱۳۷۳). دیوان رضی الدین آرتیمانی. تصحیح: احمد کرمی. تهران: ما.
- ۱۲) زبیدی، محمد مرتضی (۱۳۴۴). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالهدایه.
- ۱۳) صابر، شگفته؛ شاهد، محمد اقبال (۲۰۱۶). «بررسی منقبت سرایی فارسی اهل بیت اطهار^(ع) در شبه قاره؛ از آغاز تا دوره مغول». لاهور: دانشگاه جی سی.

- ۱۴) صائب تبریزی، محمدعلی (۱۳۷۴). دیوان صائب تبریزی (ج۲). تصحیح: جهانگیر منصور. تهران: نگاه.
- ۱۵) صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (۱۳۷۶). الامالی. تهران: کتابچی.
- ۱۶) صفاء، ذبیح‌الله (۱۳۷۸). تاریخ ادبیات در ایران (ج ۵). تهران: فردوس.
- ۱۷) کرمی، احمد (۱۳۷۳). مقدمه دیوان. رک: رضی‌الدین آرتیمانی، سید محمد (۱۳۷۳).
- ۱۸) گرامی، سید محمدهادی (۱۳۹۱). نخستین مناسبات فکری تشیع: بازخوانی مفهوم غلو در اندیشه جریان‌های متقدم امامی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۱۹) مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳). بحارالانوار (ج۱۱۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۲۰) مصباح یزدی، محمدتقی (۱۴۰۰). آموزش عقاید. چ ۶۷. تهران: بین‌الملل.
- ۲۱) نصرآبادی، محمدطاهر (۱۳۱۷). تذکره نصرآبادی. تهران: ارمغان.
- ۲۲) واعظ قزوینی، محمدرفیع (۱۳۵۹). دیوان ملا محمد رفیع واعظ قزوینی. تصحیح: سید حسن سادات ناصری. تهران: علمی.
- ۲۳) وفایی، عباسعلی؛ بیات، رضا (۱۳۹۴). «سطوح درک مفهوم امامت در شعر آیینی معاصر». پژوهش‌های اعتقادی کلامی». دانشگاه آزاد ساوه. ش ۱۹. صص ۱۴۳-۱۷۴.
- 24) Cayton, M. K., & Williams, P. W. (Eds.). (2001). Encyclopedia of American cultural and intellectual history (Vols. 1-3). Charles Scribner's Sons.
- 25) Wiener, P. P. (Ed.). (1973-1974). Dictionary of the history of ideas: Studies of selected pivotal ideas (Vols. 1-4). Charles Scribner's Sons.
- 26) Wright, J. D. (Ed.). (2015). International encyclopedia of the social & behavioral sciences (2nd ed., Vols. 1-26). Elsevier.